

قانون تفکر (منطق)

مؤلف: استاد سید عبداللہ حسینی

www.ketab.ir

سرشناسه	حسینی، سید عبدالله، ۱۳۳۸-۱۳۷۷
عنوان و نام پدیدآور	قانون تفکر (منطق) // مولف سیدعبدالله حسینی.
مشخصات نشر	تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات؛ امیدیه: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد امیدیه، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	۴۹۷ص.
شابک	978-964-10-2780-5
وضعیت فهرست نویسی	فیبیا
یادداشت	کتابنامه:ص. ۴۹۷.
موضوع	منطق -- راهنمای آموزشی (عالی)
شناسه افزوده	دانشگاه آزاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات
شناسه افزوده	دانشگاه آزاد اسلامی، واحد امیدیه
رده بندی کنگره	۱۳۹۳ ق ۵ ح/ ۵۹ BC
رده بندی دیویی	۱۶۰/.۷
شماره کتابشناسی ملی	۳۴۳۴۴۱۱

عنوان کتاب: قانون تفکر (منطق)

تالیف: سید عبدالله حسینی

ویراستار ادبی و علمی: دکتر عزیزالله سالاری

صفحه آرای: مرضیه حسن زاده

طراح جلد: محمدصادق دستوریان

چاپ اول: ۱۳۹۳

شمارگان: ۲۰۰۰

ناشر: سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی با همکاری واحد امیدیه

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی

ISBN: 978-964-10-2780-5

شابک:

قیمت: ۱۴۰۰۰ ریال

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
سر آغاز	۱
مقدمه	۳
بخش نخست: شناسنامه منطق	۹
بخش دوم: الفاظ	۲۵
بخش سوم: کلی و اقسام و نسبت آنها	۵۵
بخش چهارم: کلیات خمس (ایساغوجی)	۷۱
بخش پنجم: مقولات عشر	۱۱۱
بخش ششم: معرف (تعریف) و اقسام آن	۱۴۳
بخش هفتم: قضایا و اقسام آن	۱۷۳
بخش هشتم: تقابل، اقسام و احکام آن	۲۳۹
بخش نهم: عکس، اقسام و احکام آن	۲۶۹
بخش دهم: حجت یا استدلال (تمثیل - استقراء - قیاس)	۲۹۹
بخش یازدهم: صناعات خمس (برهان، جدل، خطابه، مغالطه و شعر)	۴۰۳
منابع و مآخذ	۴۹۷

سر آغاز

به نام خداوند سبحان که آدمی را به زیور عقل آراست و تاج زمردین دانش بر تارکش گذاشت و با قوه تعقل، اشرف مخلوقاتش کرد تا به نیروی معرفت رموز هستی را دریافته و خویشتن خویش را شناخته و در سایه این عرفان به معرفت خداوند سبحان رسیده و آغاز و پایان امور خود را به ذات اقدسش واگذارد. درود بی کران به نیراعظم، پیامبر خاتم، حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و اهل بیت طاهرینش که انسان را از کوره راه ضلالت، به شاهره هدایت آورده، تا با تعلیم معارف والای قرآنی و آموزش دانش ربانی، صلاح انسانی و فلاح اسلامی بنی آدم را رقم زند.

این کتاب را تقدیم می دارم به:

روح پرفتوح بنیانگذار حکومت حقّه جمهوری اسلامی، مجدد بزرگ تفکر اسلام ناب محمدی (ص)، امام راحل خمینی کبیر قدس الله نفسه الزکیه و شهیدان همیشه شاهد اسلام عزیز، از صدر تا کنون که ستارگان درخشان مکتب انسان ساز تشیع اند و فرهیختگان علم و دانش. مجاهد مردانی که به تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی، همت گماشته و در راه توسعه و اعتلای چند و چونی آن از هیچ کوششی دریغ نورزیده، بار سختی ها و رنج های روحی را به جان خریده و با طعن حسودان و مغرضین آگاه و آزار ناآگاهان بی غرض، از میدان به درنرفته و ایثارگرانه مقاومت نمودند، تا افتخاری دیگر بر افتخارات میهن اسلامی بیفزایند.

سید عبدالله حسینی

چهارم خرداد ۷۴

پوشیده نیست که واضع علم منطق، حکیم ارسطاطالیس یونانی، معروف به ارسطو- شاگرد افلاطون بزرگ- است. وی بنا به تقاضای اسکندر ذی‌القرنین در قرن چهارم پیش از میلاد مسیح به تدوین و تألیف منطق پرداخت. چنان‌که حکیم متأله سبزواری فرموده است:

الفه الحکیم رسطالیس میراث ذی‌القرنین القدیس

«حکیم ارسطاطالیس آن را (منطق را) تألیف کرد که آن میراث ذوالقرنین قدیس است».

و چون وی نخستین فردی بود که منطق فطری را از قوه به فعل درآورده و آن را قانونمند و مدون کرد، به لقب «معلم اول» مفتخر گردید. اگرچه برخی از دانشمندان و ارباب تحقیق سابقه معقولات و کاربرد برخی از قواعد منطقیه را به پیش از ارسطو، به‌ویژه ایران زمین، می‌رسانند، اما نقش معلم اول و ارزش و عظمت او را در ابداع و تدوین این دانش شریف نمی‌توان نادیده انگاشت و اگر حقی برای پیشینیان او بپنداریم در پیش دانای یونان بسیار اندک و ناچیز است. با راه یافتن منطق به دامنه تفکرات اسلامی، این دانش مورد توجه و عنایت اندیشمندان اسلامی قرار گرفته و بزرگانی چون شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا، بهمنیار، ابونصر فارابی و خواجه نصیرالدین طوسی به آموزش و گسترش آن پرداخته، به گونه‌ای که در سامانه علمی اسلامی گستره‌ای شایان یافت و حاصل آن نگارش کتب منطقی وزین و ارزشمند بی‌شماری است که در دسترس دانش‌پژوهان قرار دارد.

در روزگار اوج و شکوفایی منطق و نشر و روانی افکار منطقی، افرادی نیز بودند که تند و بی‌رحمانه بر آن تاخته و منطق را دانشی بیهوده قلمداد می‌کردند و آن را دانشی به شمار می‌آوردند که موجب اضطراب اصول و مبانی فکری بشر می‌شود و جز اثلاف وقت هیچ ثمری ندارد. تاجایی که خوانندگان و خواستاران آن علم را منحرف دانسته و زندیق می‌خواندند. عبارت «من تمنطق تزندق» به چنین فرایند فکری و چنان افرادی برمی‌گردد. اما این‌گونه مخالفت‌ها که در دامنه دانش‌گستر فرهنگ اسلامی صورت پذیرفته نه تنها باعث رکود منطق نشد، بلکه از نگاه تاریخ علم، مایه فربهی هرچه بیشتر منطق گردید. اروپا نیز شاهد همین داستان بوده، و از انتقادهای و تاخت‌های فرانسیس بیکن، جان استوارت میل انگلیسی و دکارت فرانسوی، به سان شرقی‌های مسلمانی چون ابن تیمیه و شاگردش ابن قیم مصون نماند.

در برابر آراء مخالفین منطق، گروهی بر این باورند که اگر کسی از این دانش بی‌بهره باشد، هیچ نمی‌داند و به هیچ‌یک از دانسته‌های او نمی‌توان اعتماد کرد. حد میانه آن که منطق دانشی است، که مبانی علمی افراد را مستحکم کرده و راه درست استدلال، شیوه درست تفکر و طریقه سالم ورود به بحث و خروج از آن را به انسان آموخته است. بشر می‌تواند با به‌کارگیری قواعد آن، شیوه صحیح استنتاج را فرا گرفته و استنتاجات درست را از نادرست باز شناسد. پس دانشی که در این جایگاه علمی قرار داشته باشد، میزان خرد قرار گرفته و قانون تفکر به شمار می‌آید. نیز ارزش و اعتبار آن در نزد خردمندان بسی بلند و روشن است تا جایی که حتی رد و ابطال آن نیازمند منطق و شیوه درست استدلال است. «پاسکال» نابغه

فرانسوی در قرن هفدهم در ارزش انسان به خرد و عقل، جمله شیوایی دارد که یاد کرد آن خالی از لطف نیست، او می‌گوید: «انسان گیاهی بیش نیست و ناتوان‌ترین موجودات طبیعت است، اما او گیاهی است که عقل دارد و برای تباه کردنش لازم نیست که جهان دست به هم دهند، بلکه یک بخار و یک قطره آب برای کشتن او بس است، با این همه اگر سراسر جهان کمر بر هلاک او ببندند، باز او شریف‌تر از آن‌ها است که به هلاک او کمر بسته است، چون می‌داند که می‌میرد و جهان که بر او چیره می‌شود ادراک توانایی خود را ندارد»^۱. پس اگر ارزش انسان به دانش اوست و اگر عقل گرانبهاترین گوهر انسان به شمار می‌آید و همه دانش‌های بشری با عقل هستی می‌گیرند، ارزش منطق که شیوه راهبری عقل را بر عهده دارد و قانون تفکر را می‌آموزد مشخص و جایگاه و مرتبه آن در میان علوم دیگر معین می‌گردد.

تدریس منطق از دیرباز در حوزه‌های معارف دینی کاربرد داشته و هم اکنون نیز متداول است، ولی در سال‌های اخیر به گفته شهید مطهری از توجه به آن کاسته شده و زیان‌هایی را به بار آورده است. شایسته است که طلاب علوم دینی همتی به مراتب بیشتر و دقتی شایان‌تر در فراگیری آن بگمارند، تا با نگاه به بایسته‌های زمان و لزوم نشر افکار اسلامی، بتوانند در رونمایی بهتر و خردپسندانه معارف اسلامی بکوشند. ممکن است در آغاز امر چنین بنماید که دانستن علم منطق تنها برای علوم معقول و فیلسوفان است و برای آموختن فقه

سودمند نیست، اما این گونه نبوده و گاهی به برخی از مسائل فقهی و حقوقی برمی‌خوریم که بدون تسلط کامل بر منطق و ورزیدگی لازم ذهن در قوانین و قواعد آن از پاسخ درست به آن باز می‌مانیم. گاهی دیده می‌شود که میان غصب و تصرف عدوانی، فرقی گذرانده نمی‌شود و از نگاه نسب اربع، تصور می‌شود که هر دو مفهوم مساویند؛ اما با اندکی دقت روشن می‌شود که غصب اعم از تصرف عدوانی است؛ زیرا در غصب، عمد در تصرف مال غیر، بدون مجوز، شرط است، ولی در تصرف عدوانی، عمد شرط نیست. پس تصرف عدوانی بر همه مصادیق غصب صدق می‌کند، ولی غصب تنها بر بعضی از مصادیق تصرف عدوانی صدق می‌کند و نسبت بین آن‌ها عموم و خصوص مطلق است. مثال دیگر آن که نسبت میان بیع و اجاره را تنها عموم و خصوص مطلق دانستن به دلیل کم دقتی در بحث معرف و نسب اربع است، زیرا در آغاز باید تعریف دقیق و منطقی هر یک را دانست؛ آن‌گاه نسبت میان آن‌ها را از نسبت‌های چهارگانه معین کرد؛ مثلاً در مورد اجاره استفاده از معدن در مدت معین هم تعریف بیع صدق می‌کند و هم تعریف اجاره؛ زیرا بیع تملیک عین است و اجاره تملیک منافع؛ پس تملیک عین به اعتبار این که شامل اجاره معدن می‌شود، اعم از اجاره است. همچنین تملیک منافع هم به اعتبار این که شامل نقل محتوای معدن و اجاره خانه است، اعم از بیع است. پس رابطه این دو مفهوم عموم و خصوص من وجه است. همین امر مشترک موجود بین دو مفهوم که رابطه عام و خاص من وجه میان آن‌ها برقرار است، از نگاه استنباط کار بر فقیه مشکل می‌نماید و برای قاضی در اجرای قانون و مقررات ایجاد

مزاحمت می‌کند؛ زیرا روشن نیست که در مورد اشتراک، کدامیک از دو قانون را باید اجراء کرد. چنان‌که در مورد اجازه معدن روشن نیست که مقررات بیع جاری است یا مقررات اجاره.

مثال‌های یادشده که تعداد آن‌ها هم بسیار است: ۱- گویای اهمیت مباحث منطقی در استنباط فقهی و حقوقی و روشن‌گر آن است که برخی از مباحث منطقی تنها اختصاص به خود منطق ندارد و افزون بر کاربرد فراوان آن در فلسفه، ابزار استنباط مباحث حقوقی نیز هست. ۲- روشن می‌کند که جدایی میان علوم، آن‌قدرها هم که نویسندگان و دانشمندان گذشته بازتاب داده‌اند، درست نیست.

امروزه لزوم آشنایی دانشجویان رشته‌های مختلف دانشگاهی با این علم بیش از پیش احساس می‌شود؛ چون بخش مهمی از معارف اسلامی با شیوه‌های فلسفی و کلامی در هم تنیده شده است که دانشجویان برای استواری مبانی اعتقادی خود، به مطالعه و تحقیق در مباحث فلسفی و کلامی نیازمندند. نکته دیگری که نباید از پیش چشم دورداشت آن است که امروزه چنان‌که در دانشگاه‌ها خلاء منطق صوری احساس می‌شود در حوزه‌های علوم دینی نیز خلاء منطق عملی و متدولوژی احساس می‌شود و بایسته است که دانش‌پژوهان و طلاب علوم دینی با منطق ریاضی و علوم تجربی نیز آشنا شوند تا شیوه‌های تحقیق و میزان کارایی دیگر علوم را دانسته، گستره مجهولات و پرسش‌هایی که علوم تجربی می‌توانند پاسخ‌گو و عهده‌دار کشف آن‌ها باشند به خوبی دریافته و بیش از پیش در برابر شبهات القاء شده از این سوی مجهز باشند. اگرچه هم‌اکنون بسیاری از طلاب جوان و پرشور،

خود به این مهم پی برده و در پی جستار پژوهش‌اند، اما ضرورت برنامه‌ریزی درسی از سوی مسؤولان ارجمند گریز ناپذیر است.

در علم منطق، بزرگان و نوآوری قلم زده‌اند، که دیگر نکته ناگفته‌ای نگذاشته‌اند و اگر هنری در این نوشتار باشد تنها در سادگی، روانی و آسانی هضم آن برای جوانان روزگارماست. نگارنده کوشیده است تا:

- از به کار بردن عبارات دشوار و پیچیده کتاب‌های گذشتگان خودداری کرده تا موجب خستگی و سرگستگی دانشجویان و به‌ویژه مبتدیان نگردد.

- در پایان هر بخش تمرین‌های گونه‌گونی برای ملکه شدن مطالب در ذهن دانشجو فراهم آورده، که پاسخ درست به آن‌ها نشانه یادگیری مطلوب آن بخش است.

- سعی گردیده از اطناب ممل و ایجاز مخل پرهیز گردد؛ تا اطناب آن موجب خستگی و زدگی و ایجاز آن در ادای مقصود اخلاص نکند.

با این همه، نگارنده، این دفتر را خالی از کاستی و نارسایی نمی‌داند و امیدوار است که ارباب معرفت و استادان نکته پرداز، او را از راهنمایی‌های مشفقانه خویش بی‌بهره نسازند و سرانجام دعای خیرشان را دریغ نورزند.

والله خیر ناصر و معین

سید عبدالله حسینی